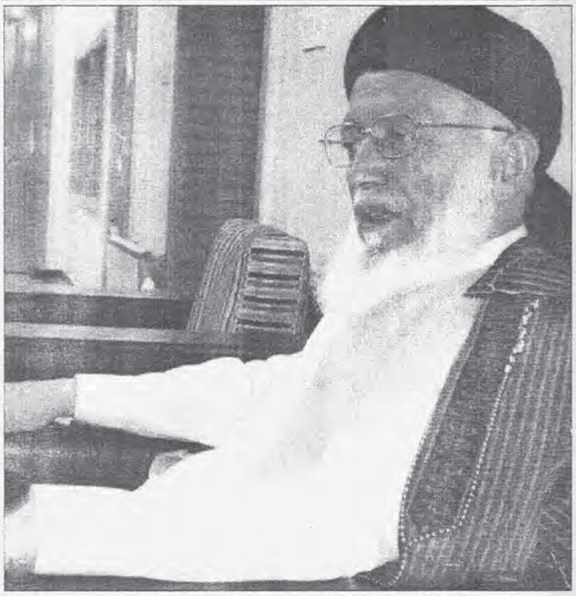
هفته نامهٔ

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان و مال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم – سال نهم – شمارهٔ پانزدهم ۱۳ سرطان ۱۳۸۸ – ۱۱ – رجب المرجب ۱۴۳۰ – 04 July 2009



ابراز نگرانی ها از احتمال تقلب در انتخابات

شورای رهبری ستاد انتخاباتی داکتر عبدالله به ریاست استاد برهان الدین ربانی رهبر جهاد و مقاومت چهارشنبه هفتهٔ گذشته، طی یک نشست راجع به کارکردهای انتخاباتی داکتر عبدالله بحث و گفتگو نمودند.

در این برنامه که نمایندگان ستاد از مرکز و ولایات گردهم آمده بودند از نحوه کارکرد خویش در راستای کمپاین انتخاباتی، به مسؤولین گزارش دادند.

بعضی از نمایندگان ستاد انتخاباتی ولایات نگرانی خویش را از توزیع کارت های تقلبی در برخی مناطق ابراز نمودند. این نمایندگان اظهار داشتند به کسانی که واجد شرایط نبوده اند، کارت داده شده و یا به یک نفر چندین کارت با نام های مختلف توزیع شده است.

اعضای شورا این عمل را غیر قانونی و مایهٔ نگرانی خواندند.

استاد برهان الدین ربانی توزیع کارت های تقلبی را یک خطر جدی از تقلب در انتخابات تلقی نمود و افزودند: مسؤولین جداً باید از انجام چنین کار جلوگیری نمایند.

موقف طالبان در کارزار انتخابات افغانستان

ص۲



• داکتر عبدالله با اشاره به انتقادات کرزی در مورد دیدار برخی از نامزدان ریاست جمهوری با سفیر امریکا:

مشکل از خودشان است نه از نامزدان یا جامعه جهانی

داکتر عبدالله عبدالله؛ نامزد انتخابات ریاست جمهوری طی یک کنفرانس خبری روز یکشنبه گذشته با اشاره به انتقادات حکومت از دیدار سفیر امریکا با برخی از نامزدان ریاست جمهوری گفت: این که دیدار سفیران بعضی کشورها با نامزدان ریاست جمهوری کسی (کرزی) را آشفته ساخته، این مشکل خودشان است نه از نامزدان یا از جامعهٔ بین المللی.

وی همچنین فرصت مناظره را یک فرصت خوب خوانده افزود: منتظر تعیین تاریخ و مکان مناظره با آقای کرزی می باشم.

داکتر عبدالله همچنین در این کنفرانس خبری گفت که، آقای کرزی در گفته های خود بحث تابعیت را مطرح کرده که آن بحث در مورد من صدق نمی کند.

داکتر عبدالله جریان هشت سال گذشته را یک فرصت از دست رفته خوانده و افزود: بعد از موافقت نامهٔ بن، برای افغانستان یک فرصت طلایی میسر شده بود که متاسفانه استفادهٔ درست از آن صورت نگرفت.

داکتر عبدالله همچنین خاطر نشان کرد که، با حضور نظامیان ۴۵ کشور و سرازیرشدن بیش از سی ملیارد دالر در افغانستان، هنوز دولت نتوانسته که امنیت شاهراه های کابل را تأمین نماید.

وی در رابطه به تغییر نظام صحبت نموده گفت: " مسئلهٔ تغییر نظام از خود مجرای قانونی داشته و ازطریق تشکیل لویه جرگه و تعدیل قانون اساسی صورت خواهد گرفت".

این درحالی است که چندی پیش داکتر عبدالله از حامد کرزی خواهان مناظرهٔ تلویزیونی شده بود و کرزی در این اواخر اظهار داشت که، وی به مناظره حاضر می شود. این وعدهٔ کرزی را بعضی از آگاهان سیاسی یک ترفند سیاسی تلقی می نمایند.

انتخابات ریاست جمهوری

تغییر و امید

ص۶

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر: دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل، عقب سینما بهارستان، کوچهٔ قصابی، دست چپه کوچهٔ چهارم
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ و ۰۷۰۸۸۲۷۸۹۰
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

په ننگرهار کی د ډاکټر عبدالله تود هرکلی

تیره چهارشنبه (د غبرگولی دمیاشتی لسمه)، ولسمشریزو ټاکنو ته نومیالی نوماند ډاکټرعبدالله عبدالله جلال آباد ښارته سفر درلود او خپل ټاکنیز سفر دختیځو ولایتونو له پلازمینی نه پیل کړ.

داچی ډاکټرعبدالله له کابل نه بهر دسفر لپاره د جلال آباد ښار غوره کړ، په دی کی ډیری خبری او مصلحتونه نغښتی دي:

ډاکټرعبدالله وویل چی ختیځی سیمی د افغانستان په ویاړمن تاریخ او په تیره د سپیڅلی او تاریخي جهاد په دوره کی خاص ځای او مقام لری. ما ددی لپاره داسیمه غوره کړ چی د مقدس جهاد پیل له همدی سیمی نه شوی ده او دتورزنو بهادر و مجاهدینو لمړنی شهیدان هم دهمدی سیمی دی...

که څه هم زمونږ د پاکي عقیدی پربنسټ، قوم، سیمه او ژبه د ویاړ او برلاسی لاملونه ندي او اصلي خبره د تقوا او پوهه ده. خو داکټرعبدالله لازمه وګڼله چی ځان په ښه توګه د ننګرهار خلکوته ورو پیژني او وی ویل:

زه په کابل کی پیدا شوي یم او هم هملته می زده کړه او لوړي زده کړي کړیدي. زما پلار کندهاری او مورمې پنجشیري ده...

او په دي توګه ډاکټرعبدالله هغه کسانو ته سخت ځواب ووایه چی غواړي قومی او ژبنیزو تړاونو ته ارزښت ورکړی او دا وایي چي دافغانستان ولسمشرباید پښتون وي اوله کرزي نه مو د پښتونولي په حساب ننګه کړي وه او په تیرو ټاکنو کي مو ورته رایی ورکړي وي.

ډاکترعبدالله په ډاګه کړ چي په ختیه پښتون دی خو ټول افغانان د هغه ورونه او خویندی دي او قومی او ژبنیز توپیرونه ورته هیڅ ارزښت نلری.

ډاکتر عبدالله دخلکو په منځ کی لاریون وکړ او دهغه مرستیالان هم ورسره اوره په اوره روان و..

دننګرهار د زرګونو خلکو تود هرکلی له ډاکټر نه داڅرګندوي چی زمونږ هوښیاره او باشعوره ولس، ویښ دي او په دی ویاړ لري چی دهغوي مجاهد، پوه او دلوړزده کړو او استعدادونو خاوند بچی (ډاکټرعبدالله) هغوی ته ورځي او دیو لوی بدلون زیری ورکوی. داسی لوی او مثبت بدلون چی د افغانستان د خلکو برخلیک بدل کړی

موقف طالبان در کارزار انتخابات افغانستان

وحید مژده



بحث در بارهٔ وضع موجود افغانستان از جمله انتخابات حتماً این سوال را مطرح می سازد که طالبان در این رابطه چه موقفی دارند؟ گروهی که لااقل بعنوان یک چالش امنیتی فراراه انتخابات می توانند بر این روند تاثیر منفی برجا بگذارند و حتی بعید از امکان نخواهد بود اگر در بخش مهمی از کشور جریان رای گیری را با دشواری های جدی مواجه سازند. احتمالی که حتی فرماندهان ناتو نیز به آن اذعان دارند و برای مقابله با آن در حال افزایش نیروهای شان در افغانستان اند.

دید طالبان در رابطه به انتخابات چیست و آنان از منظر ایدئولوژیک چگونه به این پدیده می نگرند؟ برای جواب به این سوال نیازمند نگاهی به گذشته خواهیم بود.

دیدگاهها در مورد انتخابات در دوران جهاد:

طالبان برخاسته از کمپ های مهاجرین دوران جهاد و مدارسی اند که در آن دوران در پاکستان بمیان آمد. کشوری که پس از مرگ ضیاء الحق حاکم نظامی آن کشور نیز چندین انتخابات را تجربه کرد. جالب است که رهبران مذهبی پاکستان که طالبان ساخته و پرداختهٔ مدارس آنان اند، راه رسیدن به قدرت سیاسی را در رای و ارادهٔ مردم می دانستند و در انتخابات سهم می گرفتند اما در همان زمان میان رهبران مجاهدین افغان برسر مشروعیت انتخابات با توجه به برداشت های متفاوت شان از فقه اسلامی اختلاف وجود داشت.

حکمتیار رهبر حزب اسلامی به این باور بود که انتخابات یک روش شرعی است که مردم با رای خود زعیم خود را برمی گزینند و خلفای راشدین در صدر اسلام با همین روش انتخاب شدند هرچند در آن زمان از صندوق و برگهٔ رای دهی خبری نبود اما شیوهٔ انتخاب فرق چندانی با رای دهی امروز نداشت که مردم با دادن دست به امیر بیعت می کردند و زنان از این پروسه خارج نبودند. (این دیدگاه با نظر جمعیت اسلامی پاکستان همخوانی دارد که در دههٔ شصت میلادی در مقابله با مارشال ایوب خان در انتخابات از خانم فاطمه جناح حمایت کردند) اما بعضی از رهبران دیگر مجاهدین به این باور بودند که انتخاباتی که در آن همه مردم اعم از صالح و طالح (خوب و بد) دارای حق مساوی انتخاب باشند شرعاً درست نیست. فقط اشخاص با تقوی بعنوان (اهل حل وعقد) می توانند شخصی را بعنوان زعیم برگزینند. مولوی محمد یونس خالص که بعداً بسیاری از رهبران طالبان از حزب اسلامی او به میدان آمدند به همین باور بود و در همان زمان میان او و حکمتیار در این باب بحث هائی هم صورت گرفت. تنها انتخاباتی که در دوران جهاد برگزار شد میان حزب اسلامی حکمتیار و گروهی سلفی تحت رهبری مولوی جمیل الرحمن در ولایت کنر بود که ادارهٔ این ولایت را میان خود تقسیم کردند. مجاهدین پس از رسیدن به قدرت در کابل به تدویر شورای حل وعقد به منظور تمدید معیاد حکومت استاد ربانی پرداختند.

> **بعضی ها به این باور اند که گرفتن کارت بوسیلهٔ طالبان به منظور شرکت آنان برای رای دهی نیست بلکه هدف فقط بدست آوردن یک سند برای تثبیت هویت است تا اگر با مشکلی مواجه شوند با استناد به چنین سندی خود را یک شهروند عادی کشور که مشکلی با دولت افغانستان ندارند نشان دهند**

اقلیت و اکثریت

طرفداران حل وعقد به این باور اند که اکثریت همیشه برحق نیست و استناد آنان به قرآن است از جمله این آیه از سورهٔ دوم قرآن که (چه بسیار اتفاق افتاده که گروهی اندک به یاری خدا بر گروهی کثیر غالب آمده اند.) اما کسانی که به انتخابات از طریق رای عمومی باور دارند این آیت را مربوط به جهاد می دانند و مفاد آنرا به انتخابات تعمیم نمی دهند و به حدیثی از پیامبر (ص) به این مفهوم استناد می کنند که (امت من هیچگاه بر امر باطل مجتمع نمی شوند).

طالبان و انتخابات

طالبان نظر اکثریت را که از طریق رای گیری عمومی بدست آید نمی پذیرند و در دوران امارت اسلامی شان به همان روش اهل حل وعقد در مسایل مهم تصمیم می گرفتند که ملا محمد عمر نیز با تائید حدود دو هزار تن از ملاها و جمعی از جنگجویان خارجی از جمله اسامه بن لادن که با او بیعت کردند بعنوان امیرالمومنین انتخاب شد.

مشخص است که طالبان انتخابات را که همه مردم در آن حق شرکت داشته باشند مردود می شمارند اما دلایل آنان تنها مستند به متون فقهی نیست بلکه از نظر عملی نیز رسیدن به قدرت از این راه را برای یک گروه اسلامی که خواهان تطبیق شریعت است به این دلیل ناممکن می دانند که امریکا و غرب چنین اجازه ای را نمی دهد و مثال های جبههٔ نجات اسلامی در الجزایر و حماس در فلسطین را بعنوان شاهد ذکر می کنند.

در جریان انتخابات اول ریاست جمهوری افغانستان، طالبان به پیمانهٔ امروز تهدید بشمار نمی رفتند اما در آن زمان هم در مورد انتخابات نظر منفی داشتند. کسانی که کارت رای دهی گرفته بودند اگر به چنگ شان می افتادند مورد لت وکوب قرار می گرفتند. در مناطقی که طالبان نفوذ داشتند مردم کارت رای دهی خود را پنهان می کردند.

در طول پنج سال گذشته رئیس جمهور کرزی بارها از طالبان خواست تا بجای توسل به اسلحه برای رسیدن به قدرت، به رای مردم مراجعه کنند اما طالبان به دلایلی که در بالا ذکر شد به این خواست ها وقعی ننهادند.

اما این بار به نظر می رسد که طالبان با تغییر تاکتیک به میدان آمده اند. در جریان ثبت نام مردم برای گرفتن کارت رای دهی، طالبان هیچ نوع اقدام جدی برای ایجاد اختلال در این روند از خود نشان ندادند در حالیکه در بعضی از مناطق این توان را داشتند. آنها می توانستند با یک اقدام انتحاری در یکی از این مراکز، رعب ووحشت خلق کنند که نه تنها این کار را نکردند بلکه شایعاتی بر سرزبانها بود که طالبان هم خود کارت رای دهی گرفتند و هم دیگران را به این کار ترغیب کردند.

بعضی ها به این باور اند که گرفتن کارت بوسیلهٔ طالبان به منظور شرکت آنان برای رای دهی نیست بلکه هدف فقط بدست آوردن یک سند برای تثبیت هویت است تا اگر با مشکلی مواجه شوند با استناد به چنین سندی خود را یک شهروند عادی کشور که مشکلی با دولت افغانستان ندارند نشان دهند.

وقتی شبکهٔ تلویزیون الجزیره پس از ختم پروسهٔ ثبت نام از شخصی که از طرف طالبان بحیث والی هلمند تعیین شده است پرسید که چرا اجازه دادند تا روند ثبت نام در مناطق تحت نفوذ شان به مشکلی مواجه نشود وی در جواب گفت که انتخابات برای ما ارزشی ندارد و به همین دلیل این پروسه را مختل نکردیم.

اما به نظر می رسد که مسئله به همین سادگی نیست هرچند نمی توان این تغییر اعلام ناشده در روش طالبان را تغییر بنیادی در موضع آنان در مورد انتخابات دانست اما به نظر می رسد که آنها در این انتخابات منافع خود را جستجو می کنند. منطقی به نظر نمی رسد درحالیکه انتخابات افغانستان برای کشورهای غربی بخصوص ایالات متحدهٔ امریکا مهمترین مسئلهٔ سال است، طالبان به آن بی اعتنا باشند و آنرا جدی نگیرند.

ادامه در ص



په هېواد کې د امنیتي وضعې او د قندهار د پېښې په هکله:

امنیتي کمپنۍ که د انارشۍ مامورین؟

شفیق

په تېره اونۍ د هېواد امنیتي وضع هغه مهال د تشویش وړ شوه چې د هېواد په شمالي ولایت کې د ولسمشرۍ ټکنوټه د یو کندید ډاکتر شرف غني د کمپین د ریکو د مسؤول حاجي نذیر موټر لومړی د یو ماین ښبه شو او بیا پرې توغندي وورېدل. او هم په مرکزي ولایت بغلان کې د دولت او اسلامي حزب د افرادو ترمینځه درنه نښته وشوه. همدارنګه په جنوب لویدیځ ولایت "کندهار" کې د دغه ولایت د امنیتي قومندان مضیع الله او هم ورسره د جنايي چارو مرستیال د یوې امریکې یې امنیتي کمپنۍ د یو ځلوېښت افغاني ساتندویانو لخوا هغه مهال د یو شمیر نورو پولیسو په ګډون ووژل شول چې د دغه ولایت په څارنوالۍ کې د یو تن بندي د خلاصون پسې راغلي وو او غوښتل یې چې په زور سره دغه بندي خلاص کړي، خو د پولیسو لخوا د مخنیوی او مقابلې په نتیجه کې د دوارو لوریو لخوا د ډزو په تبادل سره جګړه رامینځته شوه چې د ولایت د امنیې قومندان په شمول د څو تنو نورو په وژل کیدو تمامه شوه.

او هم د هېواد په ختیځ کې د طورخم په صفر نقطه کې د موجودې ښځینه تلاشۍ ځای سره د یوه ځانمرګي برید په نتیجه کې یو ماشوم او یوه ښځینه پولیسه مړه او لس تنه نور ټپیان شول، چې په کې درې تنه پولیس وو.

دغه درېواړه پېښې په هېواد کې د امنیتي وضعې په اړه د هېوادوالو سره نوې اندېښنې راولاړوي؛ ځکه له یوې خوا د ولسمشرۍ د ټاکنو کمپاینونه آغاز شوي او له بلې خوا په هېواد کې د ټولټاکنو په دوران کې د امنیتي وضعې د لاښه والي لپاره د یو شمیر هېوادونو لخوا د ایتلافي ځواکونو مرستې لپاره ځینې نوي تازه دم سرتیري هم افغانستان ته رارسیدلي دي. خو له دې سره هم په هېواد کې د امنیت وضع له یوې ورځې څخه بلې ته د خرابۍ او بې باورۍ په لورې روانه ده چې د دولت په شمول د ولس عام خلک یې هم په لویه اندیښنه کې غورځولي دي او دا ویره راولاړه شوې ده: چې که روانه وضع همداسې دوام وکړي نو کېدای شي چې د ټولټاکنو د سرتاسري انعقاد په وړاندې خنډ واقع شي او ټولټاکنې هم سرته ونه رسیږي.

و نورو پېښو په پرتله د کندهار د امنیتي قومندان او جنايي مرستیال په شمول د یو شمیر نورو وژل کېدل یوه ډېره عجیبه پېښه ده: ځکه هغه ځوک چې د امنیتي کمپنیو په چوکاټ کې د امنیت ګډوډونکي او د انارشۍ رامینځته کوونکي ګرځي او د دولت د ساتونکو د وژلو مرتکب کیږي هغوې پخپله د امنیت مدعیان او د یوې

> **هغه ځوک چې د امنیتي کمپنیو په چوکاټ کې د امنیت ګډوډونکي او د انارشۍ رامینځته کوونکي ګرځي او د دولت د ساتونکو د وژلو مرتکب کیږي هغوې پخپله د امنیت مدعیان او د یوې خارجي کمپنۍ غړي دي**

خارجي کمپنۍ غړي دي چې د هغوی د ساتلو دنده په غاړه لري نو چې ورانه له خانه شي، ګیله به له چا وشي؟!

ځکه دغه پېښه چې د خپلې نوعې یوه نوې پېښه ده ډېر عجیب پیغامونه له ځان سره لري او د افغانستان د دولت لپاره یو د خطر زنګ دی، او هم نږدې یو نیم کال وړاندې "د افغانستان علومو اکاډمۍ" تر سیوري لاندې د امنیت تر عنوان لاندې دا پېر شوي یو سیمینار کې د خارجي کمپنیو له مینځه وړلو د هغه پریکړې وزن او حقانیت ثبتوي چې له مخې یې له دولت څخه غوښتل شوي وو، چې د امنیتي کمپنیو دغه فعالیتونه باید نور ودرولی شي او د سمینار د ګډونوالو لخوا تصویب شوې هم وه.

خو اولس چې هغه د چا خبره ټاکو د ملا وزه هم وخوړه نو د ټاکو د خولې لګولو خبره هم را اوچته شوه، ورنه د افغانستان په څېر شړېدلي او تالاترغۍ هیواد کې د دا ډول ارګانونو شتون د ځان په خپل لاس وژلو په معنا دی خو زمونږ عقلونه هغه وخت سرته راځي چې اوبه له ورځه تېرې شي، اوس چې د دې پېښې د عاملینو د پیدا کولو او پلټنې لپاره ولسمشر کرزي هم د هېواد لویې څارنوالۍ ته دنده سپارلې، چې په عجله توګه د دې پېښې تحقیق وکړي او په همدې تړ کې د کورنیو چارو وزیر هم په ډېره بیړه کندهار ته رسیدلی وو، چې هلته یې په دې هکله څه څرګندونې هم وکړې چې په هغو کې یو هم د هغو یوځلوېښت کسانو کابل ته د راستولو خبر وو چې د امریکې یې امنیتي کمپنۍ لپاره یې د ساتندویانو په توګه کار کړی وه او په څارنوالۍ یې حمله وړې وه. همدارنګه په قندهار کې د "اتمر" لخوا دغه اعلان هم د ولس د خوښۍ لامل شو چې په هېواد کې موجودې امنیتي کمپنۍ به ډېر ژر په دوو پړاونو کې ختمې کړي:

لومړی دا چې: دغه کمپنۍ په لومړی سرکې د قانون تابع کولای شي او په دوهم پړاو کې به په تدریجي توګه بیا د یوې مودې په دوران کې له مینځه یوړل شي او ښایې دغه کار ځکه څه موده واخلي او یا لدی امله تر اوسه ځنډېدلی وو چې په کې زمونږ یو شمیر هېوادوال په وظیفه بوخت دي. نو عجیبه دا ده چې د دا یاک د پروګرام له لیاړې له یوې خوا له بې مسؤولیته کسانو څخه د وسلو راغونډولو پروګرام روان دي او د همدې تور لامله خو ځینی وړ کندیدان هم د نومونو د اشتراک لامله د کندیدانو له لست څخه پاتې شوي د وچو له غمه شنه هم سوځیږی خو بلې خواته د کرزي دولت او د کورنیو چارو وزارت لاتراوسه د دې کمپنیو په بقاء کې دا دلیل نیسی چې دا خلک به بې وظیفې شي! نو چې له قومندانانو او سر ګروپ څخه د وسلې ټولول اړین دی، په دې خارجي کمپنیو څه عتمد په کار دی؟ چې په هېواد کې یو موازي امنیتي ځواک ورسره موجود دی؛ لکه څنګه چې د دې پېښې د عاملینو پیدا کیدو و په کې د ککړو لاسونو په سزا رسولو ضرورت دی خو بیا داسې کار ونشي او د امنیتي کمپنیو په نوم د انارشۍ د مامورینو تغر ټول شي، همدارنګه په هیڅ صورت دا ډول ارګانونو دا له مینځه وړلو څخه ډډه ونشي او چې څومره ژر کیدای شي باید دغه موازي واکمنۍ او د انارشۍ هډې ختمې شي.

داکتر عبدالله از زبان خودش



پیوسته به گذشته

معاونیت وزارت خارجه

بعد از یک سال، مساله معاونیت وزارت خارجه مطرح شد، من به حیث معاون وزارت خارجه معرفی شدم و از آن زمان به بعد سفر های زیادی به بیرون از افغانستان داشتم. درچهار جلسه مجمع عمومی سازمان ملل ریاست هیات افغانستان را داشتم و دریک جلسه به معیت پروفیسور برهان الدین ربانی رییس جمهور دولت اسلامی افغانستان در جلسه دوهزارهٔ میلادی در مجمع عمومی سازمان ملل شرکت کردیم . در عین حال در پایتخت های کشور های مختلف سفرهایی داشتم و می شود گفت که تقریباً نیمی از وقت خود را در داخل و اکثر اوقاتم را در خارج سپری می نمودم و به خاطر معرفی آرمان مقاومت و خطری که متوجه افغانستان بود تلاش می کردم. نقطه اصلی این تلاش این بود که پیام مقاومت و پیام مردم افغانستان را و خطری را که تنها متوجه مردم افغانستان نبود و تنها محدود به افغانستان نمی شد؛ بلکه یک خطر جهانی بود درکنفرانس های مختلف و جلسات متعددی که داشتیم به اطلاع جهانیان برساندم و همچنان با استفاده از فرصت دردیدار با افغان های مقیم خارج ،همیشه اوضاع افغانستان را تشریح کنم . در سالهای اخیر مقاومت، سرپرستی وزارت خارجه رانیز به عهده داشتم.

در این زمان با وجودی که پایتخت در دست طالبان بود همه سفارت های افغانستان در خارج– به استثنای سه سفارت پاکستان، عربستان سعودی و امارات متحده عربی– تحت اداره دولت اسلامی افغانستان بود و در همه مجالس بین المللی هیات دولت اسلامی افغانستان به عنوان نماینده افغانستان حضور داشت؛ اما مشکل این بود که مساله افغانستان تا یک زمانی، مشکل داخلی محسوب می شد و بعضاً هم دشمنان افغانستان این مشکل را یک مشکل قومی تبلیغ کرده بودند. به عنوان مثال اصطلاح "اتحاد شمال" اصطلاحی نبود که مسؤولین مقاومت انتخاب کرده باشند؛ بلکه اصطلاحی بود که از بیرون انتخاب شده بود و جنگی را که در افغانستان ادامه داشت و در واقع القاعده و تروریزم افغانستان را مرکز خود قرار داده بودند و از بیرون حمایت می شدند و طالبان هم برای سرکوب هویت مردم افغانستان فعال بودند، جنگ شمال و جنوب تعبیر کرده بودند.

وقت بسیاری را در برگرفت تا حقانیت این مساله در بیرون از افغانستان، در غرب و در امریکا درک شود، این فقط در سال های آخر مقاومت بود که روحیه طور نسبی تغییر کرده بود.

ماموریتی که انجام نشد

در همان ماه سپتامبر که آمر صاحب به شهادت رسید، قرار بود مجمع عمومی سازمان ملل برگزار شود،چون آمرصاحب سمت معاونیت ریاست جمهوری دولت اسلامی افغانستان را به عهده داشتند، برنامه ما این بود که ایشان به نماینده گی از افغانستان در این نشست حضور یافته و سخنرانی کنند. قبل از آن در سفری که آمر صاحب به اروپا داشت یک پیام بسیار واضح در مورد این خطر جهانی که در افغانستان شکل می گرفت به دنیا داده شده بود.

همهٔ این فعالیت ها همزمان با چالش ها، دشواری ها و مشکلاتی بود که ناشی از این مساله می شد که تا یک زمانی در سطوح بالای دیپلوماتیک دنیا از دولت اسلامی افغانستان استقبال نمی شد،چون این دولت یک طرف جنگ، تلقی می شد،اما بعد ها وضعیت در ارتباط به مقاومت تغییر کرد. اولین بار در ایالات متحدهٔ امریکا در ۵ سپتامبر ۲۰۰۱ ؛یعنی شش روز قبل از حادثه ۱۱ سپتامبر و چهار روز قبل از شهادت آمر صاحب، درجلسه یی در واشنگتن به سطح معاونین وزارت خارجه، شورای امنیت و وزارت های دفاع بحث کمک به مقاومت افغانستان می شد و این اولین بحثی بود که در آن سطح صورت می گرفت؛ اما متاسفانه این بحث دیر بود: زیرا بعداً حوادثی رخ داد که ما همه شاهدش هستیم.

از همه چیز بگذر و همهمهٔ غزا طلب

... و اینچنین بود سیر رویش جوانه های حماسه در طلوع سبز جهاد

عبدالقیوم ملکزاد

استاد مولوی محمدحنیف بلخی یکی از شخصیت های والا مقام و ازسخن سازان پیشتاز و نامدارکشور ما هستند که تا کنون ده ها اثر ارزشمند در حوزهٔ ادب و علوم اسلامی و .. تحریر و به دست نشرسپرده اند.

مقام علمی و ادبی استاد حنیف چنان بالاست که با این خامه شکسته نمی توان حق مطلبی را که شایسته و درخور شان علمی، ادبی، و شخصیت خلاقی آنهاست، اداکرد.

نگارنده مدیون تشویق های استاد حنیف بلخی می باشد، به این معنی: وقتی که ایشان از نگارش سلسله بحث هایی که در باب ادب حماسی با این خامه نارسا پیشکش می شود، اطلاع حاصل فرمودند، جداً نگارنده را مورد تشویق و نوازش قرار داده و ترغیب فرمودند تا در راستای ادامهٔ این راه خیر اما خطیر سعی خستگی ناپذیر به خرج دهم. ایشان در ضمن اجازه دادند که تا گلدسته هایی از باغ دفترهای اشعار و دیوان شان برچینم و از شمیم دلنواز آن ها مشام خود و دوستداران فرهنگ و ادب را معطر بگردانم.

سنگرستان - چنانچه از نامش پیداست- یکی از چند مجموعه شعری استاد حنیف است. محتویات آن پیرامون جهاد مقدس، وصف مجاهدین واقعی و سنگر راهیان حق و آزادی و سربلندی، و طن دوستی و مذمت وطن فروشان می چرخد. اینک ابیاتی از این مجموعه در رابطه به کودتای هفتم ثور ۱۳۵۷ ،که منجر به میان آمدن نظام کمونیستی در افغانستان گردید.

طوری که از سخنان استاد حنیف بلخی بر می آید، ایشان با استقرار رژیم بیدینی و دست نشانده درافغانستان سخت غمگین و متأثر است. زیرا تماشای کشورش که پایمال صرصر کمونیزم شده، برایش خیلی ها ناگوار تمام گردیده و این وضعیت را در شعری تحت عنوان "کمینستان" بدینگونه بیان می دارد:

کهکشان زدست تو بازچرخ چنبرشد
کشورعزیز ما پایمال صرصر شد

بی تفاوتی در ارتباط با افغانستان از نظر مولانا ناپسند و قابل اعتراض است، زیرا بیخدایان همزمان با روی صحنه آمدن شان دست به اعمال شنیعی یازیدند که موجبات خشم وتاثر همه را در پی داشت.

مولانا وانمود می کند که با به میان آمدن رژیم کمونستی عدل و صفا و مهرو وفا از دیار او رخت بر بسته و جای او را دیو ظلم و تطاول اشغال کرده:

از آن دیار که عدل و صفا نمود فرار
نشسته ظلم و تطاول بجای مهرو وفا

واز اثر این حالت تاسف بار:

همه بدرد فرورفته از صغیر وکبیر
همه به غم نشسته است از الف تا یا

و درمطلع شعری معنون به: (انقلاب نحس) عامل همه بدبختی و مصائب به میان آمده در وطن را، انقلاب کوتای ثور، وانمود می سازد:

این انقلاب نحس بیاورده درد و غم
جزاین بگو که معنی این انقلاب چیست؟

مولانا استادمحمدحنیف بلخی این دقیقی زمان و به قول دکتور نصری حقشناس: پیشاهنگ شعر وادب جهادی، در برابر این فاجعه و تراژیدی بزرگ واین پرسش مهم واساسی: پس چه باید کرد؟ پاسخ های دلپذیر و روحنوازی دارد.

"حصارسبز" یکی از این پاسخ ها می باشد:

با ظهوری سرنوشتی را دگرگون می توان
طالع قومی بلند و سعد و میمون می توان
با غریو نعرهٔ مستانه یی کز دل کشید
رخنه ها اندرحصار سبز گردون می توان

وقتی که زمینه چنین "توانستن" موجود بوده باشد. لازمه زندگی یک مسلمان "مجاهد شدن" است و "ساختن" و "خواستن سنگر" ی چون سنگر پیغمبر اکرم صلی الله علیه وسلم پیام دلپذیرش را با گوش جان می نیوشیم:

خیز مجاهدا بیا سنگر مصطفی طلب
ساز شکوه فتح را از درکبریا طلب

مولانا در آغازین روزهای راه اندازی آزمون بزرگ، مسلمانان جهاد گر را به ایجاد سنگری فرامی طلبد که خدا خواهانه باشد تا سنگر مذکور آیینه دار جلوه فتح وظفر گردد که بخشندهٔ آن نیز خداست.

هرگاه جهاد به منظور خدا به راه افتاد. خدا راه های فتح وپیروزی را در برابر راهیان آن هموار می سازد. مولانا به ادامه پیغام خود که قبل از یورش به صف دشمن، ساختن سنگر را ضروری وانمود می کند، امر مارش می دهد:

ضیغم بیشهٔ وطن خیز زجا و نعره زن
قلب صف عدوشکن گوهر مدعا طلب
همرهٔ خنجر وسنان همچو یلان سیستان
بر سر راه خصم شو، تاج سرو لوا طلب
یکه سوار پهنه شو، رزم شعار صحنه شو
از کف زور حق خود روشن و برملا طلب
بال کشا به کهکشان گرد به مهرو مه فشان
نسرعدو شکار کن، شاهپر هما طلب
شورفگن به ملک دل همهمه یی بیافرین
آتش سینه تیز کن از در او نوا طلب
نعره خالدی کنون در صف رزم لازم است
دست به دست تیغ بر، با زوی مرتضی طلب
دامن فقر را مده، از کف آرزوی خود
دبدبهٔ شهنشهی از سربوریا طلب
بند سکوت را شکن در شکن یمی بزن
گرمی و شورو بیخودی از دل موجها طلب
تا که به جلوه بنگری بیرق دین خود "حنیف"
از همه چیز بگذر و هلهلهٔ غزا طلب

هرگاه عمیق متوجه شویم فرد، شعریکه تقدیم شد محرک و انگیزنده است که احساس عجیبی به روح شنونده ایجاد می کند و از کلمه کلمه آن حماسه برون می تراود.

طوری که ملاحظه کردیم برخی از سروده های استاد حنیف بلخی موسیقی خاصی در خود نهفته دارد و سامع را به دنبال هر بیت، شور و وجدی دیگر می آفریند. تو گویی شعر مذکور افزون بر داشتن نیروی افاده و مفهوم وسیع، نغاره دلنواز میدان جنگ است که رزم آوران را بی اختیار به طرف جنگ می کشاند. بناءً می توان گفت که وجود این ویژگی ها خود گویای استادی مولینا به حساب می آید که برای فراخوان قیام، یا نفیر عام، استفاده از وزنی آهنگین را نسبت به سایر اوزان عروضی ترجیح داده است.

"مردسنگر" نیز حاوی پیغام بیداری است، دراین شعر اگر به دقت مرور شود تصویر عجیبی مشاهده می شود. استفاده از واژه هایی چون: کهسار، رود و دریای خشماگین و سربکف، سیل، نعره، خرام، پنجه، سحاب رحمت، هژبر، با گریه و آه آتشبار و ... هریک با تناسب خاص و زیبایی چشمگیری وارد شعر استاد شده اند. و حسن ترکیب دیگر این که: شیرمردان جنگجو معمولا از فراز کهسار- که سنگرستان ایشان است- سر می کشند برای این که هژبر آسا به سوی دشمن حمله ببرند، و با صفی مرصوص چون رود، رژه می روند، ایثار و از خود گذری و به کف گرفتن سرخاصهٔ رود خروشان است که نعره زنان و خشماگین به سوی هدفی مقدس خرام می کارد. این حرکت نمودی از رحمت پروردگار است که با شعار تکبیر، لرزه به جان دشمن بزدل می افگند واما، رودها و دریا ها هم بیشتر از باران تشکیل می شود که آبستن رحمت اند که گاه از طغیان آن سیلی پدید می آید هیبت ناک برای کندن بنیاد ظلم و جنایت و باطل و آتشی می شوند بر جان ظالم و عدوی حق ناشناس که با رحم و انسانیت ذره یی سر سازش ندارند.

مزیت این سخن را بیشتر در آن خواهیم دید که غزلوارهٔ "مردسنگر" را یکجا زمزمه کنیم:

رادمرد ای مردسنگر عاقل وبیدار خیز
همچو شیر شرزه یی از دامن کهسار خیز
تا نگون سازی نظام ظلم این آدم کشان
زود شو با نیزه و با خنجرو تلوار خیز
از برای آبروی خاک خون آلود خود
خشمگین و سربکف با نیت ایثار خیز
بهر نابودی ساز وبرگ استعمار سرخ
همچو سیل دل شکن مستانه و سرشار خیز
گرچه بشکستی تو سنگرهای دشمن پی به پی
بس مکن، با نعره های حیدر کرار خیز
تا نماید خشک خیزی ها ختن زار وطن
در خرام آی و مثال آهوی تا تار خیز
بهر احیای کهن تاریخ مرز وبوم خود
ماهرو فرزانه و با منطق و هشیارخیز
نرم کن با استواری پنجه با جبر زمان
بهر محو نقشه این تودهٔ غدار خیز
تا بیاری خرمی اندربساط ملک خود
چون سحاب رحمت وچون ابر دریا بار خیز
تا برانی دشمن مغرور را ازبیشه ات
چون هژبر خشم آگین و غرور آثار خیز
گربخواهی آتش افروزی به بنیاد عدو
یک سحر با گریه و با آه آتشبار خیز
از حنیف این حرف بشنو ای وطندار عزیز!
خاطرتیمار درد ملت بیمار خیز

استاد مولینا "حنیف بلخی" به همان پیمانه یی که فتنهٔ پدید آمده از سوی دشمنان اسلام و عدوان بشریت را نهایت خطرناک وبزرگ تلقی میکند، پیغامش را پیهم به گوش ها می چکاند و فریادش را از هر سکویی بلند می سازد، تا هیچ مسلمانی از دسیسه و فتنه عظیم و کشتار و بربریت ووحشت دشمنان، خودرا برکنار احساس نکند و فریب نیرنگ کمونست ها را نخورد. نفیر عامش این بار به اسلوب مثنوی است که باهم می نیوشیم:

ای جوان ای مرد سنگر آفرین
حامی آزادی این گلزمین
با لوای سبز گرمنا بخیز
همچو شیر بیشه خضرا بخیز
نازکن برهمت والای خود
برقیام و قامت بالای خود
غیربازوی خودت نبود دگر
فرق دشمن بشگناند با تبر
تیر تو دارد غروراز شصت تو
تیغ تو نازد بزور دست تو
کامیابی از دم خنجر بجو
مدعا را از خم سنگر بجو
همچو کوهی می نماید گرز تو
تیغ توچون تیغهٔ البرز تو
از فلک بازور بازو کام گیر
مهر وماهش در شکنج دام گیر
سرنوشت خود به دست خویش گیر
نقش پای عقل دوراندیش گیر
این زمان کافر کشی مخصوص توست
رازها اندر صف مرصوص تست

دراین شعر- که قسمتی از آن پیشکش شد- رسالت سترگ جوان مسلمان به گونه دلپذیری بازتاب یافته. شاعر طرف خطاب خود را درس شهامت میدهد، از تک به بیگانه بازش می دارد و اطمینانش می دهد زور و قوتی که به مدد خدا در بازوی وی نهفته است، سرنوشت ساز است و تاکیدش می ورزد تا او بر همت خود بنازد و برقامت زیبایش و برقیام شور آفرینش افتخار ورزد.

درضمن با اطمینان و توصیف وتبجیل از او می خواهد، تا زمام سرنوشت خود و مردم وکشورش را از دیگران بستاند که لازمه آن جهاد است و بقول او، کافرکشی و تشکیل صف فشرده در برابر دشمن که تازه به روی صحنه آمده!

چنانچه در پاره یی از شعر دیگر استاد می خوانیم:

شوبپا با نیزه و شمشیر و گرز
بال بگشا چون عقاب البرز
ازشکنج موج خون و موج دود
ده نجات این ملک آبائیت زود
مشعل قرآن و دین را بر فروز
آنچه باشد غیر از این آن را بسوز

ویا:

ای وطنداران نگاهی جانب کشور کنید
رحم بر حال تأسف بار این مضطر کنید
گر همی خواهید بخشد بر شما شیرسفید
چارهٔ روزسیاه این کهن مادر کنید
یک قیام آتشینی ازچمن تا کاشغر
وز دل آکسوس تا آنسوی اسپین غر کنید

بانگ رسای مولینا در کوه وصحرا و شهر و ده کشور همچنان طنین انداز است:

ایجوان! از جا بپا شوفرصت اهمال نیست
در صف دشمن بزن حاجت به قیل و قال نیست

در مجموعه های سنگرستان، نیزار وغریو و ... سروده هایی از این دست فراوانند که ان شاء الله در فرصت های مناسب مفصل تر به آن ها خواهیم پرداخت.

به آرزوی طول عمر و صحتمندی همیشگی آن همزادگاه خداوندگار بلخ.

قابل توجه شاگردان عزیز

امتحانات نیمهٔ سال فرا رسید!

ث - ثامر



قرار است در نیمهٔ سرطان، امتحان چهارونیم ماههٔ شاگردان مکاتب سردسیر آغاز گردد و در پیشاپیش امتحان، شما شاگردان عزیز را به فراگیری درس های تان فرا می خوانم تا باشد با سعی و کوشش، مطابق اندوخته های تان نمرات خوب بگیرید. مشغولیت های جانبی را کنار بگذارید، از گشت و گذار بیجا در همه اوقات، بخصوص در وقت امتحانات امتناع ورزید، فقط درس بخوانید و محتوای درس را در حافظه بسپارید. زیرا اندوخته های امروز شماست که نسل در نسل به آینده ها انتقال می کند.

امتحان و آزمایش و معلوم کردن استعداد و ظرفیت، عملی است که در تمام عرصه ها، بخصوص در نهادهای تعلیمی و تحصیلی، دانش آموزان را به آزمون می گیرد. گرچه از آزمون برآمدن، و پاسخ دادن به سوالات، جرئت کار دارد و دانش، اما باز هم هرچه باشد، هراس خود را دارد. حتا فردی مانند ناپلئون نیز از آن ترسیده است و صراحتاً گفته است که، من از امتحان می ترسم.

در امتحان و در آزمون قرار گرفتن، در بعضی ها موجب پریشانی فکر، سردرگمی، تشویش و گاهی هم ادامهٔ این عمل باعث طپش قلب و رنگ پریدگی می شود. خلاصه ذهن آدمی را دچار احساس خطر می سازد.

در امتحانات شفاهی و تقریری بسا شاگردان با تشویشی که دارند و در مقابل معلم ایستاده می شوند در ارائهٔ پاسخ دچار بندش و لکنت زبان می شوند. در حالی که اکثر این شاگردان درس را خیلی خوب متوجه شده اند. ولی همین که رو در روی معلم و سایر همصنفی های خود قرار می گیرند، نمی توانند مطالب آموخته شده را به طور روان بیان کنند. لرزش صدا هنگام صحبت کردن و لرزش دست و پا، یا بازی کردن با دکمهٔ لباس و قلم دست داشته، از علایم این اضطراب است. فرا رسیدن امتحانات نیز از عواملی است که باعث به وجود آمدن حالت های ترس، دلهره، اضطراب و هیجان برخی شاگردان می شود.

شاگرد در اوایل وقتی که گام به سوی مکتب می گذارد بجز از آموختن درس هایشان، و در صورتی که از طرف معلمان و خانواده تشویق شود، بجز پیگیری خواندن و نوشتن دیگر هراسی به دلشان راه ندارد. آنچه این دلهره و تشویش و سردرگمی را در ذهن شاگرد به اصطلاح زرق می کند، خانواده و معلم است.

بسا خانوادهٔ شاگردان در دیگر اوقات در فکر این نیستند که از درس و کارخانگی و لیاقت اطفال شان وارسی نمایند. اما در روزهای که امتحان فرا می رسد و در شب های امتحان، والدین آن ها را نگران می کنند با تندی به آن ها می گویند: «برخیز، مشغول بازی هستی! مگر تو امتحان نداری؟ امتحان مهم است، امتحان مشکل است، چقدر تو بی خیال هستی؟ هیچ نگران نیستی، ناکام می مانی، وقتی ناکام شدی برایت این چیز و آن چیز را نمی خرم و یا ترا به آنجا نمی برم. و...» این گونه سخنان بچه ها را نگران می سازد. اگر چیزی از درس را به حافظه سپردنی هم باشند، با اختلال ذهنی که برایش وارد کرده اند در فراگیری درس مشکلات پیش می شود.

اولیای شاگردان باید تشویق کنند و آن ها را دستگیری کنند و بگویند که درس هایت را بخوان و یادبگیر، وقتی می فهمی، دیگر از پرسیدن معلم تشویش نداشته باش و معلم فقط می خواهد ترا در آزمون قرار دهد که اینقدر زحمتی که کشیده است، آیا تو درس های او را فهمیدی یا نه و پاداش آن نمره است که برایت می دهد و به دست آوردن پارچهٔ امتحان ترا تشویق می کند تا بیشتر بخوانی و یادبگیری. و آنهایی که نمرات کم می گیرند و یا مشروط و ناکام می مانند برای آنها، این پارچه است که هشدار میدهد و تأکید می کند تا درس های شان را بخوانند و در قطار شاگردان کامیاب قرار گیرند و از این قبیل حرف های نرم.

والدین نباید بالای آن ها داد بزنند و فریاد سردهند که چه و چنان، فقط همکاری به شاگرد و تشویق آن، باعث می شود تا درس بخوانند و با جبین گشاده و بدون ترس و دلهره در مقابل همصنفی ها و معلمانش ایستاده شوند و آنچه را آموخته است، بازگو کند.

تعدادی از معلمان هم در روزهای امتحان چهره یی دیگر دارند، معلم همانند سایر اوقات درسی، لبخند بر لب ندارد، چهره اش گرفته و تاریک به نظر می رسد، و در حال نظارت شدید است. و هردم صدا می زند او بچه! یا او دختر! شور نخوری، پارچه ات را می گیرم، ناکام می کنم، از مکتب اخراج می شوی، تو بازی گوش هستی، تو تنبل هستی، امروز روزت را می بینم، و یا هم اخطار می دهند که، تو امروز از پیش من نمرهٔ کامیابی بگیر که چطور می گیری! و امثال این گونه هشدارهایی که شاگرد را زمینگیر می کند.

این تنبیه دادن ها و ترساندن شاگردان بالای روحیهٔ شان تأثیر می گذارد که بعضی ها از مکتب، گریز، و چه بسا کودکان زیادی را دچار تنش روحی می سازد. بسیار دیده و شنیده شده که متأسفانه بسیاری از معلمان، از امتحان به عنوان حربه و هردم فشار های گوناگون بالای شاگردان استفاده می کنند. که به مثابهٔ زهری است که اراده و افکار شاگرد را زیر پا می کند.

پس بر اولیای شاگردان و معلمین گرامی است تا این نونهالان امروز را که پدران و مادران آینده اند، سرنوشت آیندهٔ کشور در دست شان خواهی و نخواهی قرار می گیرد، در سختگیری های بی مورد مواجه نساخته و با همفکری و تبادل نظر با یکدیگر، و با روحیهٔ بشاش و بدور از خشونت با آنها برخورد شود، تا در محیط خانواده و مکتب باعث ایجاد تنش نشوند. زیرا این ها امیدهای آینده اند، بگذاریم در محیط آرام با آرامش ذهنی، بدور از راه دادن تشوشات و نگرانی ها، بیاموزند و زندگی کنند.

موقف طالبان در کارزار انتخابات افغانستان...

طالبان عادت دارند در صورتیکه بخواهند مردم را از عملی نهی کنند، اعلامیه ای با متن ساده وعام فهم به نشر می رسانند و مثلا می گویند مرتکبین فلان عمل مستوجب مجازات ویا در مواردی واجب القتل و مباح الدم اند، در مورد تحریم انتخابات تاکنون اعلامیه یی از جانب طالبان به نشر نرسیده است.

کاندید مورد توجه طالبان کیست؟

یک برداشت از این وضع می تواند این باشد که طالبان همه کاندیدا ها را به یک نظر نمی بینند. در میان کاندیداهای ریاست جمهوری افغانستان فقط ملا عبدالسلام راکتی از فرماندهان سابق نظامی طالبان است و سیدجلال کریم مشهور به نابغه نیز در دوران حاکمیت طالبان با آنان نزدیک بود. او که اصلا در عربستان سعودی زندگی می کند در دوران حاکمیت طالبان در چند مورد در کار تبادلهٔ اسرای جنگی میان طالبان و مخالفین آنان درشمال وساطت کرد.

اما در میان کاندیداهائی که گمان می رود شانس بیشتری در بدست آوردن رای مردم دارند، سه نفر برای طالبان چهره های شناخته شده اند. حامد کرزی، داکتر عبدالله عبدالله و داکتر اشرف غنی احمدزی.

داکتر عبدالله در دوران مقاومت علیه طالبان از یاران نزدیک احمدشاه مسعود بود و در صف مقابل آنان قرار داشت. بنابراین طالبان نسبت به وی نظر مساعدی ندارند. داکتر اشرف غنی احمدزی در دوران حاکمیت طالبان در خارج از کشور زندگی می کرد از کسانی بود که تامدتی در مورد طالبان موقف جانبدارانه داشت اما اکنون به نظر می رسد که او و داکتر عبدالله در مقایسه با حامد کرزی بیشتر مورد توجه امریکا وغرب اند.

موقف حامدکرزی علیه عملکرد نیروهای امریکائی در افغانستان و افتادن او از چشم امریکا می تواند برای طالبان جالب باشد. شایعاتی در جریان است که در مذاکراتی که میان نمایندگان حامدکرزی و طالبان قبل از ثبت نام وتوزیع کارت های رای دهی صورت گرفت، پیام حامدکرزی به طالبان این بود که اگر من این بار با وجود مخالفت امریکا و با رای مردم انتخاب شوم، با صراحت بیشتری با آنها سخن خواهم گفت و تاریخ خروج نیروهای خارجی از کشور را تعیین می کنم. مولوی ارسلا رحمانی که در دوران حاکمیت طالبان با رهبران آنان نزدیک بود و اکنون با حکومت کرزی همکاری دارد، به رسانه ها گفت که همین اکنون نیز مذاکراتی میان طالبان و فرستادگانی از جانب آقای کرزی در جریان است. مذاکراتی که به نظر می رسد موضوع اصلی آن مانند دوران قبل از ثبت نام، خواست از طالبان برای عدم ممانعت از پروسهٔ رای گیری در جنوب باشد.

کرزی از نظر مخالفین مسلح اش مزیت های دیگری هم دارد. تجربهٔ بیش از هفت سال حکومت گذشته که بزرگترین مشخصه اش فساد اداری بود موجب دوری مردم از دولت شد و این به نفع مخالفین بود. روز دوشنبه شاخه ای از حزب اسلامی در کابل هم طی یک کنفرانس مطبوعاتی از کاندیداتوری حامدکرزی حمایت کرد. این حزب که درکابل دفتر دارد در ظاهر رابطه ای با حکمتیار ندارد اما هیچگاه نگفته است که آنان از حزب به رهبری حکمتیار انشعاب کرده و دیگر وی را بعنوان رهبر خود نمی شناسند درحالیکه گلبدین حکمتیار قبلا طی اعلامیه ای انتخابات آتی در افغانستان را مردود دانسته و از هواداران خود خواسته است تا در آن شرکت نکنند. بعضی به این باور اند که این اعلام حمایت بدون اشاره وایمائی از جانب حکمتیار نمی تواند صورت گرفته باشد که در مقابل دشمنان سابق خویش، کرزی را کاندید مناسب تری می دانند. قبلا رئیس جمهور کرزی اعلام کرده بود که نامه ای از حکمتیار دریافت کرده است اما احتمالا این تنها نامه نباشد.

در کارزار انتخاباتی هرچند کرزی عده ای از چهره های سرشناس مجاهدین سابق را با خود همراه ساخته است اما پایگاه قدرت وی در شمال زیاد مطمئن به نظر نمی رسد. عطا محمد نور والی مزارشریف از رقیب کرزی داکتر عبدالله اعلام حمایت نموده و حمایت جنبش از کاندیداتوری کرزی موجب اختلافاتی در درون این حزب شده است.

کرزی حاجی دین محمد برادر حاجی عبدالقدیر را بعنوان رئیس کمپاین انتخاباتی خود برگزیده است که از شرق افغانستان است اما جالب اینجاست که دو نفر از خانوادهٔ حاجی دین محمد نیز کاندید ریاست جمهوری اند. هرچند والی این ولایت گل آقا شیرزی قبلا به نفع کرزی از کاندیداتوری خود صرف نظر کرده است و وجود وی بعنوان والی ننگرهار در میزان رای این ولایت به نفع کرزی بی تاثیر نیست اما در شرق تعدادی از کاندیداهای رقیب می توانند از میزان رائی که باید به صندوق آقای کرزی ریخته شود، بکاهند. برای حامدکرزی که برنده شدن در دور اول انتخابات را برای خود مهم و حیاتی می دانند رای مردم جنوب اهمیت خاصی دارد. وضع امنیتی در بسیاری از مناطق جنوب طوری نیست که ناظران وخبرنگاران بصورت آزادانه بتوانند بر روند انتخابات در آن مناطق نظارت داشته باشند. کاندیدا های دیگر احتمالا آرائی را که در مناطق پر آشوب جنوب به صندوق کرزی ریخته می شود زیر سوال خواهند برد.

انتخابات ریاست جمهوری

تغییر و امید

محمد نسیم فقیری

مردم ما باید امیدوارباشند که نظام فردی و شخصی و دیکتاتوری پایان می یابد و نظام مردمی و با مشارکت مردم و توزیع صلاحیت ها میان رئیس جمهور و صدراعظم رویکار خواهد شد

ستر بدلون دی را روان
دا دهیلو لوی کاروان
دا ویجاړ او وران هیواد مو
په ټینګ عزم شی ودان

مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری، روز به روز قوت می گیرد و وسعت و گسترش می یابد. بعضی از کاندیداها شعارهایی را برگزیده اند و تعدادی اندک، برنامه های خویش را نیز اعلام داشته اند.

کاندیدای ما (داکترعبدالله عبدالله) در میان جمع غفیر کاندیداها از امتیازات خاصی برخور داراست و مبارزات انتخاباتی او بیشتر از دیگران دارای کشش و جاذبه در اقشارمختلف جامعه است.

داکترعبدالله، برخی از برنامه ها و خط مشی خود را در جلسهٔ تاریخی پنجشنبه ۲۸ جوزا در شهر کابل و در گردهمایی بزرگ مردم ننگرهار به روز چهارشنبه دهم سرطان اعلام داشته است. قرار است قسمت های دیگر این برنامه طی اجتماعات و گردهمایی هایی درشهرهای مختلف کشور، اعلام گردد.

داکترعبدالله درکنار توضیح برنامه ها و خط مشی حکومت آینده، شعار "تغییر وامید" را نیز برای این مبارزات برگزیده و به مردم خویش نوید می دهد که با رسیدن به قدرت، تغییرات مثبتی در کشور روی خواهد داد!

این تغییرات بزرگ شامل:

- تغییرنظام ریاستی به نظام پارلمانی از طریق تعدیل در قانون اساسی با فراخوانی لویه جرگه.
- انتخابی شدن والیان
- اصلاح اداره
- تغییر درسیستم اقتصادی
- تغییر در وضع تعلیمی وآموزشی
- پایان حذف و تحقیر مجاهدین و سایر نیروهای مسلکی وبا تجربه و....

همه می دانیم که به حال معلولان جهاد و مقاومت توجه صورت نگرفته و برای رشد استعدادهای نسل جوان زمینه های لازم فراهم نگردیده و به زنان جایگاه والاو در خورشان داده نشده است، وضع معلمین بهبود نیافته و به معارف توجه اساسی صورت نگرفته است، مهاجرین وبیجاشدگان تقریبا فراموش شده اند و ....

اوضاع امنیتی هرسال بد تر از سال قبل می گردد و کمک های بین المللی به صورت درست مدیریت نمی شود و میلیون ها دالر به هدر می رود و یا حیف و میل می گردد...

این وضع نا به سامان کشور و حکومتی که به بی کفایتی، فساد و ناکامی درهمه ساحه ها شهرت یافته، تغییرات بزرگ را ایجاب می کند خواست زمان است که یک تغییر بزرگ رونما گردد.

بنابراین داکترعبدالله، شعار تغییر را سر داده و به مردم ما امید می دهد. مردم باید نگران نباشند و گمان نکنند که وضع نا به هنجار کشور همچنان ادامه خواهد یافت و حکومت کنونی با نیرنگ و تقلب دوام خواهد کرد.

با برگزاری انتخابات جدید، مردم ما باید امیدوار باشند که تغییر در راه است و زعامت جدید اداره کشور را بدست خواهد گرفت. مردم ما باید امیدوارباشند که نظام فردی و شخصی و دیکتاتوری پایان می یابد و نظام مردمی و با مشارکت مردم و توزیع صلاحیت ها میان رئیس جمهور و صدراعظم رویکار خواهد شد.

این تغییر در آینده به مردم ما امید و پیام می دهد که همه برای آوردن تغییرات مثبت، در مبارزات انتخاباتی از داکترعبدالله حمایت و پشتیبانی کنند ودر روز رای دهی به این فرزند مجاهد، آگاه، بیدار وهوشیار مردم، رای بدهند.

حمایت ها از داکتر عبدالله ادامه دارد

شورای متحد ملی

سر انجام رهبری شورای متحد ملی حمایتش را از داکتر عبدالله در انتخابات ریاست جمهوری اعلام نمود.

به گزارش خبرنگار هفتهٔ مجاهد در جلسه یی که در آن محمد یونس قانونی، احمد ولی مسعود، عبدالحفیظ منصور و تنی چند از اعضای شورای رهبری شورای متحد حاضر بودند، این شورا حاضر به حمایت از داکتر عبدالله شد.

شورای متحد ملی که معمولاً خود را جریان اپوزیسیون (مخالف) دولت می خواند از احزاب سیاسی و نهادهای فرهنگی و اجتماعی را در بر می گیرد.

حمایت شورای همبستگی ترکمن های افغانستان

شورای همبستگی ترکمن های افغانستان و سازمان اجتماعی و فرهنگی جوانان ترکمن های کشور، روز یکشنبه ۷ سرطان در ولسوالی آقچه ولایت جوزجان در یک گردهمایی با شکوه از کاندیداتوری داکتر عبدالله عبدالله حمایت شان را اعلام نمودند.

در این گردهمایی که بیشتر از هزار نفر اعم از ریش سفیدان، بزرگان، جوانان و محصلان این ولایت اشتراک نموده بودند، حاجی عبدالوهاب "دانش"؛ وکیل منتخب ولایت جوزجان و همچنان رئیس شورای همبستگی ترکمن های افغانستان ضمن انتقاد شدید از حکومت آقای کرزی در ۵ سال گذشته یاد آور شد، نبود امنیت، گسترش ناامنی در ولایات باعث ایجاد فاصله میان دولت و مردم شده است.

وی همچنین حمایتش را در جریان سخنرانی از داکتر عبدالله عبدالله اعلام نموده گفت: برای ایجاد عدالت اجتماعی و وحدت ملی، ما مناسب ترین شخص، دیپلومات مجرب داکتر عبدالله عبدالله را انتخاب می نماییم و از وی حمایت می کنیم.

آقای فرهاد عظیمی؛ رئیس شورای ولایتی ولایت بلخ به نمایندگی از ستاد انتخاباتی داکتر عبدالله عبدالله در زون شمال کشور مردم را از روند انتخابات آگاه ساخته گفت: به کسی رای بدهید که آن شخص بتواند مشکلاتی را که مردم افغانستان با آن سردچار اند و همچنان مشکلاتی را که دولت در طول ۸ سال گذشته با آن دست به گریبان بوده رفع ساخته بتواند.

در این گردهمایی که در آن علم خان آزادی؛ وکیل منتخب مردم ولایت بلخ در ولسی جرگه نیز طی سخنانی ضمن یاد آوری مثالی از گذشتگان دین مبین اسلام ابراز داشت که ما باکسی بیعت می کنیم که همیشه در سنگر جهاد و تقوا بوده است، رای ما استقامت ماست و حمایت ما و کاندیدای مورد نظر ما داکتر عبدالله عبدالله می باشد.

مردم سرپل

خبر ها از شمال کشور حاکی است که هزاران شهروندان ولایت سرپل طی دو گردهمایی حمایت شان را از نامزدی داکتر عبدالله عبدالله؛ کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری اعلام نمودند.

صبح روز دوشنبه ۸ سرطان سال روان حدود بیش از ۲ هزار نفر که این رقم را جوانان، بزرگان، روحانیون، موسفیدان و فرهنگیان ولایت سرپل تشکیل می دادند، طی تجمعی در مسجد جامع گذرشاهان؛ مرکز این ولایت خواستار برقراری نظم و ثبات، استقرار امنیت و عدالت در کشور شده و داکتر عبدالله عبدالله را به حیث کاندیدای مورد حمایت و اصلح خویش در این دور انتخابات ریاست جمهوری برگزیدند.

به نقل از رسانه های همگانی در شمال، این تجمع حدود ۴ ساعت به طول انجامیده و پس از اعلام و حمایت شهروندان این ولایت از کاندیداتوری داکتر عبدالله عبدالله به حیث رئیس جمهور آینده کشور به پایان رسیده است.

براساس یک خبر دیگر هزاران تن از مردم ولایت سرپل بار دیگر طی اجتماع بزرگی، حمایت شان را از داکتر عبدالله عبدالله کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری اعلام داشتند.

روز چهارشنبه ۱۰ سرطان، مسجد جامع گذرشاهان مرکز ولایت سرپل بار دیگر شاهد برگزاری محفلی تحت عنوان حمایت از داکتر عبدالله عبدالله در این دور انتخابات ریاست جمهوری بود.

جوانان بلخ

جوانان ولایت بلخ هم همانند دیگر اقشار جامعه وارد میدان شده روز سه شنبه ۹ سرطان طی مراسمی در تالار عروسی امید این ولایت، حمایت قاطع شان را از داکتر عبدالله عبدالله به عنوان کاندیدای ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ هـ ش اعلام نمودند.

در این گردهمایی که از سوی جوانان ولایت بلخ ترتیب داده شده بود، صدها تن از جوانان غیور و وطن دوست در آن اشتراک داشته و یک بار دیگر نشان دادند که آن ها نیز در روند انتخابات سهم فعال داشته و می خواهند تا جایگاه سیاسی خویش را در جامعه تثبیت نمایند.

مردم ولایت غور

درگردهمائی که روز چهارشنبه گذشته در شهر چغچران تدویر یافته بود و جمعی کثیری از علما، فرماندهان جهادی، روشنفکران، محاسن سفیدان، زنان، متنفذین صاحب رسوخ و اهل کسبه شرکت نموده بودند پشتیبانی شان را از کاندیداتوری دوکتور عبدالله عبدالله اعلان داشتند. همچنان در گردهمائی جداگانه جمعی غفیری از استادان، دانشجویان و دانش آموزان و جوانان ولایت غور حمایت همه جانبهٔ شان را از داکتر عبدالله اعلان نمودند.

این گردهمائی که در مرکزشهرچغچران تدویر یافته بود و در آن نمایندگانی از سرتاسرولایت غور حضورداشتند در گردهمایی پیرامون انتخابات عادلانه، جلوگیری از جعل وتزویر ونجات کشور ازبحران فعلی صحبت نموده تاکید داشتند: داکتر عبدالله عبدالله باکرنامه های درخشانی که دارد می تواند با ارائهٔ نظام مردم سالار اسلامی، قابل قبول برای تمام ملت مسلمان افغانستان، کشور را از بحران نجات داده از سیر قهقرائی ناشی از سیاست های دو پهلو و مرموزانهٔ دولتمردان فعلی جلوگیری و از عزت، آبرو، حیثیت، استقلال و تمامیت ارضی افغانستان حراست و پاسداری نماید.

سخنرانان اجتماع مردمی ولایت غور ضمن آنکه حکومت آقای کرزی را به بی توجهی و بی برنامگی در غور متهم کردند و می گفتند: هرگاه حاکمیت موجوده بار دیگر برمردم ما تحمیل گردد تمام امیدهای مردم غور به یاس مبدل میشود؛زیرا گذشته شاهد است که آقای کرزی هرگزاجازه نخواهد داد که کوچکترین کاری به نفع مردم غور صورت گیرد.

لازم به تذکراست: سخنرانان گردهمایی های ولایت غور داکتر عبدالله عبدالله را از هرلحاظ مناسبترین کاندید برای ادارهٔ کشور دانستند و از تمام ملت مجاهد افغانستان تقاضا نمودند تا با ایجاد وحدت و یکپارچگی دریک محور کنار آیند و از همسنگر وفادار قهرمان ملی کشور حمایت همه جانبه نمایند. در این همایش نمایندگان ده شهرک ولایت غور حضور به هم رسانیده بودند.

دستورالعمل جدید کمیسیون مستقل انتخابات برای رسانه ها

پوهندوی عبدالعلی کوهی / استاد دانشگاه کابل

> **رسانه های دولتی، حکومت شکست خوردهٔ آقای کرزی را چنان آب و رنگ می دهند که گویا دنیا به پایان خود نزدیک شده است و رمز حکومت داری را همین اطرافیان رئیس جمهور در دست دارند و بس**

> **در صورتی که رسانه ها، برنامه ها ودیدگاه های نامزدان انتخابات ریاست جمهوری را به صورت درست به مردم انتقال دهند، مردم در روشنی آن می توانند تصمیم بگیرند.**

اخیراً به نقل از خبر گزاری صدای افغان "آوا" گزارشی از سوی کمیسیون بر ظاهر مستقل انتخابات، برای رسانه ها، به دست نشر سپرده است که حاوی یک سلسله توصیه ها، تهدید ها و هشدار ها می باشد. این کمیسیون هدایات مشخصی را از جانب خود صادر نموده و رسانه ها را مکلف به اجرای آن دانسته است.

هدف از این دستورات، شفافیت در کار رسانه ها به بی طرفی و جلوگیری از تخطی های احتمالی رسانه ها عنوان گردیده است.

درین دستورالعمل از رسانه ها خواسته شده است، تا از هر گونه تبعیض در امور نشراتی، خشونت، تبعیض قومی، لسانی و قومی بر کنار باشند و از توهین به شخصیت کاندیدان، احزاب سیاسی و مخدوش ساختن اذهان عامه در پروسهٔ انتخابات پرهیز به عمل آید. در بخشی از این دستورالعمل، به رسانه ها چنین می خوانیم: "اگر رسانه یی، به هر دلیلی و بدون در نظر داشت مفاد قانون انتخابات صرفاً به تبلیغ بر نامه های کاندید مشخص بپردازد، مورد پیگرد قانونی قرار می گیرد... "

یکی از دشواری هایی که نزد این کمیسیون در خصوص کاندیدای ریاست جمهوری و سایر نهاد های قانون گذاری وجود دارد، نبود وضاحت و شفافیت در خصوص کاندیدان می باشد. و در قانون اساسی کشور نیز چنین وضاحتی وجود ندارد رئیس این کمیسیون از کمبود رهنمود های مشخص پیرامون این کاندیدان سخن گفته و به این باوراست که حتا یک مریض روانی میتواند درین کار زار انتخاباتی شرکت ورزد و چنین افراد در زمره این کاندیدان وجود دارد و آنها نمی توانند نظر به نبود وضاحت و رهنمود های شخصی قانون، کسی را رد و یا قبول نماید. روی همین دلیل این کمیسیون نه توانست، در نبود طرزالعمل روشن واضح، پیرامون شخصیت ها و کاندیدان پست ریاست جمهوری قضاوت سالم نماید. فقد حاضر نمودن ده هزار کارت رای دهی، شخص را می تواند وارد میدان رقابت بسازد. مسایلی، چون: داشتن تابعیت دوگانه، گذشته های آشفته، نداشتن شهرت نیکو وسایر موصفات برای نامزدان در نزد این کمیسیون نظر به کمبود طرزالعمل های قانونی به ... فراموشی سپرده شده است.

هر کس هر نوع گذشته یی که داشت خود را درین بازار آشفته سیاست کاندیدای جرز پست ریاست جمهوری نموده است. طرح یک چنین رهنمود ها و هدایات، صرف می تواند یک سلسله توصیه های خلاقی و جتماعی به حساب آید. در صورتی که قانون حق دسترسی به اطلاعات، که یکی از نیاز مندهای مبرم خبرنگاران در کشور می باشد، از مجاری قانونی به تصویب رسانیده نشده است.

به همین سبب، عدم دسترسی خبر نگاران به منبع اصلی جز پاسخ نیافتن آنها از سوی مسوولان دولتی، تهدید خبرنگاران عدم همکاری نیروهای خارجی در ارایهٔ اطلاعات به رسانه ها، از چالش های عمده جامعه رسانه یی در شرایط کنونی کشور می باشد. دستورات جدید این کمیسیون به رسانه ها هیچ گونه حمایت و پوشش اجرائی را در خود ندارد. طوری که می دانیم برخی از احزاب از خود، نه تنها نشریه، بلکه رادیو و تلویزیون نیز دارد و هریک ازین احزاب وقتی با برنامهٔ مشخص کاندید مورد نظر خویش توافق نماید، به راحتی می توان، از کاندید مورد نظر خویش حمایت و پشتیبانی نموده و نشرات تصویری و شنیداری خود را در اختیار آن قرار دهد؛ زیرا فلسفهٔ وجودی احزاب اشتراک در قدرت و تصمیم گیری های سیاسی در کشور می باشد، حزب می تواند از طریق نشریهٔ خود، در خدمت کاندیدای مشخص قرار گیرد و برنامه های کاری کاندیدای مورد نظر خود را در میان مردم پخش و نشر نماید. طوریکه می بینیم، رسانه های دولتی و آن عده رسانه هایی که در ناکامی حکومت کرزی در ظرف بیش از هفت سال نقش داشته اند، از آدرس دولت از نامزدی کرزی حمایت می نمایند. از مدت ها قبل ارگ ریاست جمهوری به محل کمپاین از سوی کرزی تبدیل گردیده است. به همین ترتیب از چندین ماه بدینسو، تمام مهمانخانه های دولتی با استفاده از بودجهٔ دولتی، مهمانان کرزی را در آغوش گرم خویش جا داده است تا این مهمانان با استفاده از نفوذ دولتی، مردم چشم و گوش بسته را با دادن وعده ها و اختیار های دروغین به دام اندازند و از آنها استفادهٔ سیاسی نمایند. شاید یک چنین دستورات کمیسیون رسانه یی مستقل انتخابات متوجه کسانی که به این کاخ عادت کرده اند و به خاطر حفظ این کاخ به ترفند های مردم فریبانه دست می زنند، نباشد. امروز نقش رسانه ها را در افزایش میزان مشارکت مردم در انتخابات نمی توان انکار کرد. این رسانه ها است که از یک طرف برای مردم آگاهی می بخشد، و از جانب دیگر حامل اطلاعات جدید و بر نامه های جدید در درون جامعه است. هر نوع تخدیر افکار، فریب و بزرگ انگاری افراد از سوی رسانه ها، از ارزش رسانه ها می کاهد. بنابرین وقتی می توان به رسانه ها اعتماد کرد که مسوولیت خود را ادا نماید طوریکه اطلاعات باید دقیق مطمئن، درست و بی طرف بوده و در پیام آن منطق و اخلاق رسانه یی مراعات گردد. حقیقت را وارونه جلوه دادن و همه چیز را در مدار حاکمیت و نفوذ یک شخص قربانی نمودن، از ویژه گی های دورهٔ استبداد و شرایط جنگی محسوب میشود، یک چنین رسانه ها انسانها را به یاد خاطره های جنگ جهانی اول و دوم می اندازد که نقش رسانه ها خیلی بالای مخاطبان تاثیر می گذاشت و مردم عادی پیام آنها را بدون کم و کاست می پذیرفتند. و امروز رسانه های دولتی، حکومت شکست خوردهٔ آقای کرزی را چنان آب و رنگ می دهند که گویا دنیا به پایان خود نزدیک شده است و رمز حکومت داری را همین اطرافیان رئیس جمهور در دست دارند و بس. امروز در افغانستان مردم تا حدی به بیداری سیاسی رسیده اند و قادر اند سخنان صواب را از ناصواب تشخیص دهند. در شرایط کنونی افغانستان رسانه ها باید در جهت آگاه سازی افکار عمومی و ایجاد محیط سالم رقابتی مفید واقع گردد.

این مطبوعات است که تعدادی را به پای صندوق های رأی سوق می دهند و تعدادی را از اشتراک در آن باز می دارند.

در صورتی که رسانه ها، برنامه ها ودیدگاه های نامزدان انتخابات ریاست جمهوری را به صورت درست به مردم انتقال دهند، مردم در روشنی آن می توانند تصمیم بگیرند.

امروز طوری که دیده می شود برخی از رسانه ها به نفع یک شخص فقط مشغول شعار دادن است. اگر نامزدان انتخاباتی بتوانند سود بیشتر را از دست رسانه ها بدست بیاورند عیبی نخواهد داشت، اما این کار نباید به خوار شمردن طرف مقابل منجر گردد. کسانی که دارای برنامه های کلان ملی به رسانه ها نیاز بیشتر دارند تا پیام آن ها را به مردم برسانند. این کار نباید با شعارهای میان تهی توام بوده باشد و یا به هدف بزرگ نمایی شخص مورد نظر خلاصه گردد. بلکه در آن باید اهداف ملی، مدیریت سالم و برنامه های قابل قبول کاندیدان به مردم رسانده شود.

برنامه های نامزدان انتخابات ...

تعدد کاندیدا ها یکی ازچالش های فرا راه رأی دهندگان درکشورمی باشد، آقای غلام، کثرت عمودمی کاندیداها را یکی ازویژگی های کشورهای عقب مانده دانسته، اضافه می کند که باید مردم ما به برنامه ها رأی بدهند نه به افراد واشخاص.

از موصوف پرسیده شد، درمیان کاندیداها برنامهٔ کدام یک را شما می پسندید گفت: من به برنامهٔ داکترعبدالله رأی می دهم زیرا وی شخصیت لایق و توانمند و آبدیده است. وی افزود، در صورتی که راهبردهای وی در تغییر نظام ریاستی به پارلمانی جامهٔ عمل بپوشد، بسیاری از مشکلاتی که امروز دامنگیر شهروندان ماست، حل می گردد.

عبد الرسول سعید استاد دانشگاه کابل می گوید: انتظار مردم طی هفت سال گذشته از طرف حاکمیت بر سراقتدار برآورده نشد و با گذشت هر روز دامنهٔ نا امنی ، فساد اداری، قاچاق مواد مخدر، بی کاری و... بیشتر گردید. بناءً امیدوارم، مردم با مطالعهٔ وضع گذشته و به امید بهبودی برای آینده، تصمیم خود را گرفته در روند انتخابات با حضور سبز و گستردهٔ شان سرنوشت پنج سال آیندهٔ کشور را رقم بزنند.

به باور آقای سعید، تفکیک قوا در نظام ریاستی که ویژهٔ حاکمیت کنونی است وجود ندارد. وی افزود، در صورتی که این نظام از مجرای قانونی به پارلمانی تغییر یابد و به نظر مردم ارج گذاشته شود چنانکه این موضوع جزء برنامه های آقای داکترعبدالله می باشد من فکر می کنم، فرایند انتخابات را این برنامه رقم خواهد زد. او ضمن تبیین نگرانی هایی که در بین مردم وجود دارد افزود، اگر مردم ما هوشیارانه از روند انتخابات نظارت نکنند، حاکمیت با توجه به نفوذ حکومتی که در ولایات و کمیسیون انتخابات دارد می تواند نتایج انتخابات را به نفع فرد مشخص بچرخاند.

به باور آقای سعید در صورتی که چنین کاری شود تراژیدی هفت و نیم سال یک بار دیگر تکرار خواهد شد.

نوریه اشرف استاد دانشگاه کابل معتقد است که انتخابات در هر حال که باشد تدویر می یابد اما برای آیندهٔ مردم افغانستان مهم این است که نتایج انتخابات طوری باشد که برای مردم افغانستان امید بخش و نوید آفرین بوده و فرصتی باشد تا مردم قدرت واقعی تصمیم گیری را داشته باشند.

به باور خانم اشرف، مهمترین چالشی که فرا راه انتخابات ریاست جمهوری موجود است به قدرت رسیدن افراد و اشخاص و تیم ناکامی است که امتحان خود را طی هشت سال گذشته برای ملت داده اند.

موصوف با ابرازنگرانی افزود، مردم از وضعیت خسته و ناراض اند و نمی خواهند با دادن وعده های دروغین بار دیگر به چشم شان خاک بزنند.

هرچند بانو نوریه از برنامهٔ کاندیدای مشخص نام نبرد اما او تمایل خود را برای تغییر نظام ابراز نمود.

خوانندگان عزیز این بحث درشماره های آینده ادامه دارد و شما نیز می توانید دیدگاه تان را در مورد با ما شریک سازید.

هفته نامۀ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان را به راه خویش
هدایت می‌کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم - سال هشتم - شمارۀ پانزدهم ۱۳ سرطان ۱۳۸۸- ۱۱ رجب المرجب ۱۴۳۰ - 04 July 2009

استاد عطا محمد نور والی بلخ:

به کسی رای می دهیم که خانواده اش با باند مافیای مواد مخدر ارتباط نداشته باشد

استاد عطا محمد نور والی بلخ در دیدار خود با پیتیر گالبراید، معاون نمایندۀ خاص سرمنشی سازمان ملل متحد در امور افغانستان گفت، کسی را به عنوان رئیس جمهور آینده افغانستان بر می گزینند که خانواده اش با باند مافیای مواد مخدر ارتباط نداشته باشد.

والی بلخ هرچند در این دیدار که هفتۀ گذشته در شهر مزار شریف صورت گرفت از کسی به طور مشخص نام نبرد. اما او گفت: کسانی که نسبت به مردم افغانستان صادق باشند و نسبت به دین و وطن خود وفادار، رای مردم را به دست خواهند آورد.

همچنان معاون نمایندۀ خاص سرمنشی سازمان ملل متحد در امور افغانستان، گفت که سازمان ملل متحد تلاش دارد تا از دخالت دولت افغانستان در کمپاین تبلیغاتی نامزدان ریاست جمهوری این کشور جنوگیری نماید.

وی از تلاش سازمان ملل متحد در جهت فراهم آوری زمینه برای نامزدان ریاست جمهوری این کشور به منظور رسندن پیام های تبلیغاتی شان به مردم خبر داد.

پیتیر گالبراید، گفت که این سازمان می کوشد تا جلو کسانی را که از امکانات دولتی بخاطر تبلیغات یک کاندیدای مشخص استفاده می کنند بگیرند.

وی اظهار امیدوری کرد که تخلفات انتخاباتی در افغانستان به وجود نیاید و مردم این کشور شاهد یک انتخابات شفاف و عادلانه باشند.

معاون نمایندۀ خاص سرمنشی سازمان ملل متحد گفت که نتایج انتخابات باید منعکس کنندۀ خواست های واقعی مردم افغانستان باشد.

برنامه های نامزدان انتخابات ریاست جمهوری

دیدگاه ها

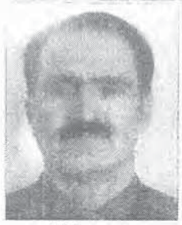
گزارش: نذرالله عنایت



نوریه اشرف استاد دانشگاه



عبدالرسول سعید استاد انشگاه



محمدرسول غلام

با گذشت هر روز کارزارانتخاباتی به مرحلۀ حساس وسرنوشت سازنزدیک می شود.

کاندیدان ریاست جمهوری هرکدام با ارائۀ راهکارهایی که معتقدند می توانند برای آیندۀ افغانستان مفید واقع گردند و در میان هوداران خویش به تبلیغات می پردازند.

روند مبارزات انتخابات از سوی کاندیداها به هر رسم و شیوه یی که باشد نمی تواند ملاک تعیین افکارعمومی بوده باشد. به همین مناسبت هفته نامه مجاهد تصمیم دارد برای انعکاس دیدگاه ها و نظریات عامۀ مردم بپردازد، تا در روشنی آن مردم آگاهانه از کسی حمایت کنند که معتقد به تغییر است.

محمد رسول "غلام" استاد درکمیسیون اصلاحات اداری می گوید: ازدیدگاه من باید شهروندان ما از انتخابات استقبال کنند و آن را دست کم نگرفته به پای صندوق های رأی بروند.

زیرا انتخابات رکن اساسی دموکراسی است و دموکراسی نوبنیاد باید درکشور با حضور و مشارکت شهروندانش درجریان انتخابات نهادینه شود.

آقای غلام، دررابطه به امکان تقلب در روند انتخابات می گوید: انتخابات ریاست جمهوری و شورای ملی، در گذشته ها درکشور نشان داد که تقلب در پروسه انتخابات یک امرحتمی است. به باور وی هیچ ضمانتی وجود ندارد که از سوی حاکمیت که نفوذ بیشتر در ولایات و به ویژه درکمیسیون انتخابات دارد، مورد دست برد قرار نگیرد.

ادامه درص۷

نړیواله ټولنه اودکرزي دواک اوږدیدل

ځپاند

داسې ښکاري چې د کرزي دواک اوږدیدل. نړیوالې ټولنې ته د منلو وړ بنه وي.

کرزی صاحب شپږ میاشتې دلنډ مهالې اداری او دوه نیم کاله د انتقالي اداری رئیس پاتې شوی او اوس د هغه د پنځه کلنه ولسمشری دوره هم پاتې ته رسیږی چې ټول اته کاله کیږی او دا اوږده موده په امریکه کې دیو ولسمشر دپرله پسې دوو دورو دواک له مودې سره برابره ده!

که څه هم داساسي قانون د یو شپیتمې مادې له حکم سره سم. سرکال دغبرګولې دمیاشتې په اوله نیټه د کرزی واک پای ته ورسید او نږدې یوونیم میاشت دهغه د غیرقانوني واکدارۍ ته تیریږی. خو که چیری په ریښتیا اویا له درغلیو سره بیا واک ته ورسیږی نو پنځه کاله نورهم پر افغان ولس واکداری به وکړی چې ټول دیارلس کاله کیږی او دا اوږد مهاله واکمنی به پاچاهي وي او نه جمهوریت اونه ډموکراسي!

دا اوږد مهاله واکمنی به په نړی کې ساری ونلری. په هغه نړی کې چې ریښتنی جمهوریت او واقعي ډیموکراسي شتون لري نه شخصي او فردی واکمنی د جمهوریت او دموکراسي ترپردي لاندې!

دتیرې سه شنبې (چنګاښ د میاشتې نهمه) په ورځ دبهرنیو چارو -غیرقانوني- وزیر دیوې خبری ناستې په ترڅ کې وویل چې بهرني سفیران او استازی باید له وزیرانو او نورو لوړ پوړو چارواکو سره ددې وزارت په همغږۍ، ناستې ولری او په دغو ناستو کې ددې وزارت دیو استازی شتون هم ضروری ده!

له دې نه مخکې د ولسمشر ویاند او پخپله ولسمشر ویلي و چې بهرني سفیران باید د ولسمشری له نوماندانو سره ونه ګوري او یا په کتنو کې د نوماندانو پرتګلارو خبري ونشي!

داعجیبه ډیموکراسي ده! هغه حکومت چې دبهرنیانو په ملاتړ جوړه شوی او دهغوی په امکاناتو واکداری کوي.... اوس غواړی چې د هغوی سفیرانو ته هم محدودیتونه وضع کړی او دهغوی له دیر عادی او معمولی چلند څخه هم مخنیوی وکړی!

درسته ده چې د بهرنیو چارو د وزارت له لارې باید د بهرنیو سفیرانو کتنې له دولتي او سیاسي افرادو سره، ترسره شي او دا د ډیپلوماسي او پروتوکول له پلوه یوه منل شوې خبره ده، خو اصلي سوال دا دی چې دا اصول پس له اته کلونو څنګه به یادیږی او د پ ملرنی وړګرځی؟

اصلي خبره دا ده چې دبهرنیانو په اوږ وبار حکومت، اوس د هغوی له ملاتړه څخه برخمن ندی او نړیواله ټولنه نه غواړی چې دیو داسې حکومت ملاتړوکړی چې په اداري فساد غرق او دنشه ایزو توکو په تور ککړدی، نورنو نړیواله ټولنه دی پایلې ته رسیدلې چې بې کفایته او ناکام حکومت له ملاتړه څخه لاس واخلي او پریدی چې د افغانستان خلک پخپله ځانته ولسمشر وټاکي او دټاکنو په بهیرکې بې پرې شاتې.

دا دنړیوالې ټولنې او هم دافغانستان د خلکو په ګټه ده.